

ایران: فریب دنیا' همزمان با حصر خشونت‌آمیز زنان و دختران برای اجرای حجاب اجباری

مقامات جمهوری اسلامی برای وادار کردن زنان به رعایت حجاب اجباری تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز و شکستن روحیه مقاومتی آنان، هر روز بیانیه‌هایی صادر کرده و سیاست‌ها و اقداماتی را اتخاذ می‌کنند. بیانیه حاضر حاوی اطلاعات مربوط به چنین بیانیه‌ها و سیاست‌هایی تا ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ است.

مقامات جمهوری اسلامی ایران در حال تصویب مجموعه‌ای از قوانین و سیاست‌های جدید هستند تا قوانین تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز حجاب اجباری را بیش از پیش استحکام بخشیده و میلیون‌ها زن و دختر در ایران را که برای برابری و حقوق بشر قیام کرده‌اند در معرض مجازات‌های سخت‌تری قرار دهند. اقدامات مقامات در جهت افزایش هزینه اعتراض علیه حجاب اجباری، از جمله از طریق محروم کردن زنان و دختران از حق تحصیل، در زمانی رخ می‌دهد که مجموعه‌ای از اظهارات فریب‌دهنده، مبهم و متناقض از سوی آنان عنوان شده است تا ضمن منحرف کردن اعتراضات بین‌المللی، تصویر «نرم‌تری» از شکل‌های افراتی تبعیض‌جنسیتی و خشونت علیه زنان از سوی مقامات ارائه شود.

خیزش مردمی که جرقه آن با مرگ در بازداشت ژینا (مهسا) امینی به دست «پلیس امنیت اخلاقی» به دنبال گزارش‌های موق‌اعمال شکنجه علیه او زده شد، موجب گردید تا مردم ایران به خیابان‌ها بیایند و خواهان عدالت، آزادی و تغییرات بنیادین سیاسی و اجتماعی شوند. در واکنش به این خیزش، مقامات و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کمپین سرکوبگرانه خشونت‌آمیزی را آغاز نموده و به‌طور غیرقانونی صدها زن، کودک و مرد را کشته و هزاران نفر را نیز زخمی، به‌طور خودسرانه بازداشت و شکنجه کردند. این سرکوب خونین با کمپین فریب، انکار و پنهانکاری از سوی مقامات جمهوری اسلامی، از جمله اظهارات مبهم و گمراه‌کننده‌ای دال بر انحلال «گشت ارشاد» همراه بوده است.

مروری بر اظهارات و بیانیه‌های مقامات در داخل کشور و همچنین اقدامات قانونی و سیاست‌گذاری‌های آن‌ها نشان می‌دهد که برخلاف ادعاهای آنان در برابر جامعه بین‌المللی، خشونت حکومتی علیه زنان و دختران، از جمله اقدامات با هدف اجرای حجاب اجباری تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز، طی چند ماه گذشته چندین برابر افزایش داشته است. این اقدامات شامل بیانیه‌های رسمی وزارت آموزش و پرورش و همچنین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که به ترتیب بر مدارس و موسسات تحصیلات عالی نظارت دارند؛ در این بیانیه‌ها آشکارا گفته شده است که دانشگاه‌ها و مدارس، از جمله مدارس ابتدایی، زنان و دخترانی را که حجاب اجباری تبعیض‌آمیز را رعایت نمی‌کنند از حق تحصیل محروم می‌کنند.

مقامات جمهوری اسلامی همچنین پیشنهادی را با این اهداف ارائه کرده‌اند: افزایش میزان و شدت مجازات‌های اعمال‌شده علیه زنانی که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند؛ محروم کردن آن‌ها از مجموعه‌ای از حقوق و خدمات اساسی از قبیل دسترسی به خدمات بانکی، گواهینامه رانندگی، سیم کارت موبایل و اینترنت؛ و نیز اعمال مجازات علیه صاحبان این کسب و کارها در صورتی که کارکنان و مشتریان آنها حجاب اجباری را رعایت نکنند و بدین ترتیب تبدیل کردن افراد عادی از قبیل صاحبان کسب‌وکارها و مدیران به مجریان حجاب اجباری.

به گفته سلوا غزوانی، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان آرتیکل ۱۹، «خواستار عمومی برای برابری و احترام به حقوق بشر زنان و دختران» محور اصلی خیزش مردمی ایران بوده است که به دنبال تغییرات بنیادین سیاسی و اجتماعی در کشور است. مقامات جمهوری اسلامی نه تنها حتی ذره‌ای در برابر این اعتراضات عقب‌نشینی نکرده‌اند، بلکه سیاست‌های تبعیض‌آمیز و خشونت‌آمیز خود علیه زنان و دختران را افزایش داده‌اند. این مقامات با بی‌شرمی تمام در نظر دارند تا میلیون‌ها دختر و زن را از دسترسی به مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین حق تحصیل محروم کرده و به این ترتیب روح مقاومت و آزادی‌طلبی آنان را مقهور کنند».

سازمان آرتیکل ۱۹ تاکید می‌کند که طی چند ماه اخیر و به عنوان بخشی از حمله گسترده‌تر بی‌رحمانه علیه حقوق بشر مردم و در تلاش برای اجرای حجاب اجباری، مقامات جمهوری اسلامی زنان و دختران را دستگیر، بازداشت و تحت پیگرد قانونی قرار داده‌اند؛ به دادگاه‌ها دستور داده‌اند مجازات‌های سنگین‌تری برای آن‌ها صادر کنند؛ دسترسی زنانی که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند به وسایل نقلیه عمومی مسدود کرده‌اند؛ کسب‌وکارهایی مانند هتل‌ها و داروخانه‌ها را تعطیل کرده‌اند؛ و در بیانات خود مکرراً درباره استفاده از فناوری از جمله فناوری تشخیص چهره به منظور شناسایی

هویت زنان و دخترانی که از رعایت حجاب اجباری امتناع می‌کنند سخن گفته‌اند. در عین حال، از آذر ۱۴۰۱، بیش از هزار دختر در مدارس سراسر کشور عمداً دچار مسمومیت با گاز شده‌اند و این موضوع به این نگرانی دامن زده است که این حملات ممکن است تاکتیکی در جهت ایجاد رعب و وحشت باشد و در تلافی مشارکت شجاعانه دختران در اعتراضات علیه سرکوب حکومتی صورت گرفته باشد.

به گفته سلوا غزوانی، «مقامات جمهوری اسلامی در نظر دارند زنان و دختران را از طریق محروم کردن از حقوق اساسی، خدمات و ضروریات تحت یک محاصره گسترده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دهند و به این ترتیب، زندگی روزمره آن‌ها را غیرقابل تحمل – اگر نگوئیم ناممکن – کنند. هدف آن‌ها این است که چاره‌ای برای زنان و دختران باقی نگذارند مگر رعایت قوانین تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز حجاب اجباری کشور».

غزوانی در ادامه افزود: «جامعه بین‌المللی و رسانه‌ها نباید فریب مقامات جمهوری اسلامی را بخورند که جنگ تمام عیاری علیه حقوق زنان و دختران به راه انداخته‌اند. همه افراد و نهادهایی که در نقض حقوق آن‌ها، از جمله از طریق تصویب و اجرای قوانین و سیاست‌های حجاب اجباری دخالت دارند، باید تحت تحریم‌های حقوق بشری هدفمند قرار بگیرند. ما از همه کشورهای عضو سازمان ملل می‌خواهیم با احضار سفیران جمهوری، فوراً خواهان پایان دادن به قوانین و سیاست‌های خشونت‌آمیز و تبعیض‌آمیز آن‌ها علیه زنان و دختران، از جمله موارد مرتبط با اعمال حجاب اجباری بشوند».

مقامات جمهوری اسلامی: حجاب اجباری مانند بستن «کمر بند ایمنی» است

پس از آغاز اعتراضات سراسری در اواخر شهریور ۱۴۰۱ و در مواجهه با توجه فزاینده جامعه جهانی به سرکوب بی‌رحمانه اعتراضات و نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر توسط مقامات ایران، از جمله در ارتباط با زنان و دختران، مقامات جمهوری اسلامی به سیاست دیرینه خود در انکار، مخفی‌کاری و فریب متوسل شده‌اند. در گفتگو با رسانه‌های بین‌المللی و کارشناسان و نهادهای سازمان ملل، این مقامات مصرانه ارتکاب نقض فاحش حقوق بشر و جرایم تحت قوانین بین‌المللی را انکار کرده‌اند؛ خواست مردم در جهت تغییرات بنیادین، آزادی و حقوق بشر را ناچیز جلوه داده‌اند؛ ادعای حمایت مردمی از قوانین و سیاست‌هایی که ناقض حقوق بشر هستند را مطرح کرده‌اند؛ و مسئولیت اعمال خود را به «دشمن» نسبت داده‌اند.

به عنوان مثال، در اسفند ۱۴۰۱، وزیر امور خارجه ایران حسین امیرعبداللهیان در مصاحبه رسانه‌ای با شبکه سی.ان.ان چنین عنوان کرد:

«امروز شبکه‌های خارج از کشور در حال تبدیل موضوع حجاب و روسری به یک بحران سیاسی هستند. خانم‌ها در ایران در چارچوب مقررات از آزادی‌های فوق‌العاده‌ای برخوردارند. موضوع امروز در ایران موضوع حجاب نیست».

مقامات جمهوری اسلامی در تماس با کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در نوامبر ۲۰۲۲ تلاش کردند تا به شیوه‌ای فریبکارانه، ماهیت اجباری حجاب را انکار کرده و ادعا کنند که از آنجا که مجلس ایران قوانینی را برای اعمال آن تصویب کرده است، پس این قوانین از مشروعیت و حمایت مردمی برخوردارند. در این نامه آمده:

«عبارت یا مفهوم «حجاب اجباری» در قوانین جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد چرا که اصولاً «اجبار» ذاتی همه قوانین است و آن چه مهم است مشروعیت و مقبولیت قانون است (قانون، زور مشروع است) که در مورد قانون یاد شده به دلیل تصویب در پارلمان و مسلمان بودن اکثریت مردم ایران این مسأله رعایت شده است. «حجاب»، مفهومی است که بر اساس ویژگی‌های فرهنگی و دینی جامعه ایران در قوانین مصوب مطرح شده است».

مقامات حکومت ایران همچنین حجاب اجباری را که ناقض مجموعه‌ای از حقوق زنان و دختران از جمله حق آزادی بیان، دین و عقیده و حق‌رهایی از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها است، به بستن «کمر بند ایمنی» و «زدن ماسک» تشبیه کردند:

...همان گونه که جریمه نیستن کمربند ایمنی یا نزدن ماسک مغایر آزادی عقیده نبوده و برای سلامت جامعه ضروری است، قانون گذاری مطابق با خواست عمومی و اخلاق جامعه، امری مغایر آزادی و عقیده نبوده و برای سلامت جامعه ضروری است.

مقامات ایران همچنین بیانات فریبکارانه‌ای را عنوان کردند که موجب سردرگمی در خصوص اجرای قانون حجاب اجباری شد. در ۱۲ آذر ۱۴۰۱، طی یک کنفرانس خبری، دادستان کل ایران محمد جعفر منتظری [اظهار داشت](#): «گشت ارشاد ربطی به قوه قضاییه ندارد و از همان جایی که در گذشته تاسیس شد از همانجا نیز تعطیل گردید.»

اظهارات دادستان که به گمانه‌زنی‌هایی در خصوص عقب‌نشینی مقامات در برابر مقاومت فزاینده دامن زد، صرفاً امری فریبکارانه بود زیرا عملاً وجود تمامیت یک دستگاه حکومتی حقوقی و قضایی را که همچنان به منظور اعمال قانون حجاب اجباری وجود دارد، رد می‌کرد. وجود قوانین مربوط به تحمیل حجاب اجباری و مجرم شناختن زنان و دخترانی که از رعایت آن امتناع می‌کنند، این اختیار را به پلیس و سایر نهادهای نیروی انتظامی می‌دهد که آن‌ها را خودسرانه دستگیر و بازداشت کنند و نهادهای قضایی نیز می‌توانند آن‌ها را در معرض پیگرد قانونی قرار داده و مجازات کنند. در مواجهه با خشم جهانی و داخلی نسبت به رفتار خشونت‌آمیز مقامات ایران علیه زنان، اظهارات دادستان کل تلاشی بود در جهت تیرنه مقامات قضایی کشور از مسئولیت -- از جمله مسئولان دادستان و قضات که دهه‌هاست حقوق زنان و دختران را نقض کرده‌اند.

سازمان آرتیکل ۱۹ تاکید می‌کند که نه تنها رسانه‌های حکومتی روز بعد از این اظهارات [گزارش](#) دادند که «هیچ یک از مقامات در جمهوری اسلامی بسته شدن پلیس اخلاقی را تایید نکرده‌اند» بلکه به دنبال اظهارات دادستان عمومی، طیفی از بیانیه‌های رسمی منتشر شد که در آن‌ها حتی معترضان به حجاب اجباری به سرکوب شدیدتر تهدید شده بودند و همچنین سیاست‌های جدید و اقدامات قانونی با هدف وادار کردن زنان به پیروی از این قانون اعلام شد. این اقدامات به‌وضوح نشان می‌دهد که مقامات جمهوری اسلامی همچنان مصر به حفظ و اجرای قوانین تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز حجاب اجباری هستند.

تداوم سرکوب اعتراضات علیه حجاب اجباری

پس از شهریور ۱۴۰۱، مقامات جمهوری اسلامی از جمله رهبر ایران [علی خامنه‌ای](#)، رییس جمهور [ابراهیم ریسی](#)، رییس قوه قضاییه غلامحسین محسنی اژه‌ای و نمایندگان مجلس مکرراً بر غیرقابل فسخ بودن قوانین حجاب اجباری تاکید کرده و وعده سرکوب شدید کسانی را داده‌اند که با استفاده از حقوق بشر خود، از جمله با حضور بدون حجاب در مکان‌های عمومی، علیه این قوانین تبعیض‌آمیز و ناقض حقوق بشر اعتراض می‌کنند.

به عنوان مثال، در ۲۰ دی ۱۴۰۱، عبدالصمد خرم آبادی معاون دادستان کل در امور نظارت بر دادسراها و ضابطین سراسر کشور، [گفت](#) که طی بخشنامه‌ای از سوی دادستانی کل کشور به نیروهای پلیس دستور داده شده است با قاطعیت با «کشف حجاب» برخورد کنند. خرم آبادی همچنین اظهار داشت:

مجازات جرم تشویق و ترغیب دیگران به کشف حجاب سنگین‌تر از جرم کشف حجاب است چرا که تشویق و ترغیب به کشف حجاب یکی از مصادیق بارز تشویق به فساد محسوب می‌شود و مجازات تشویق به فساد به موجب بند (ب) ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی یک تا ده سال حبس است. بنابراین دادگاه‌ها مکلفند کسانی را که به هر طریق دیگران را ترغیب به کشف حجاب می‌نمایند به مجازات فوق‌الذکر محکوم کنند.

در ۱۵ اسفند ۱۴۰۱، غلامحسین محسنی اژه‌ای، رییس قوه قضاییه، [اظهار داشت](#) که «کشف حجاب» مصداق خلاف عفت عمومی و مبانی شرع و قانون است و «دشمن از آن حمایت می‌کند». او همچنین هشدار داد که «همه مسئولان در تلاش هستند تا با حمایت قوه قضاییه و مجریه، از همه امکانات استفاده کنند تا با افرادی که برای همراهی با دشمن، اقدام به این گناه که عفت و نظم عمومی را خدشه‌دار می‌کند برخورد کنند».

نهادهای سازمان‌های حکومتی مختلف بیانیه‌های رسمی در خصوص تصویب اقدامات سختگیرانه و سیاست‌های جدید با هدف وادار کردن زنان و دختران به پیروی از حجاب اجباری صادر کرده‌اند. در ۱۰ فروردین ۱۴۰۲، وزارت کشور در بیانیه‌ای **اعلام کرد** که «هیچ‌گونه عقب‌نشینی یا تساهل در اصول و احکام دینی و ارزش‌های سنتی صورت نگرفته و نخواهد گرفت». این بیانیه همچنین بر ضرورت رعایت حجاب اجباری تأکید داشته و حمایت این وزارتخانه از افراد خودسر را اعلام می‌نماید که تحت عنوان «آمران به معروف و ناهیان از منکر» از آن‌ها یاد می‌شود و زنان را در مکان‌های عمومی در معرض ارباب و اذیت و آزار قرار می‌دهند تا آن‌ها را مجبور به رعایت حجاب کنند. این بیانیه همچنین وعده می‌دهد که قوه قضاییه، نیروی انتظامی و سایر نهادهای مربوطه علیه چنین «هنجارشکنی‌هایی» اقدام خواهند کرد.

به دنبال بیانیه وزارت کشور، دو بیانیه جداگانه از سوی **وزارت علوم، تحقیقات و فناوری** در ۱۳ فروردین و **وزارت آموزش و پرورش** در ۱۴ فروردین صادر شد که در آن‌ها اعلام شده بود که دانشگاه‌ها و مدارس به زنان و دخترانی که حقوق بشر خود را اعمال کرده و از رعایت قوانین حجاب اجباری خودداری می‌کنند، خدمات آموزشی و رفاهی ارائه نخواهند کرد.

مقامات جمهوری اسلامی با جامعه عمل پوشاندن به وعده‌های خود، همچنان به اذیت و آزار افراد، به‌ویژه زنان و دختران، برای اعتراض به حجاب اجباری ادامه داده‌اند؛ از جمله با بازداشت‌های خودسرانه و **اجرای مجازات‌هایی از قبیل حبس و شلاق**، و همچنین مجبور کردن زنان و دختران به «اعترافات» اجباری. با این همه، در مواجهه با خشم جهانی در برابر شکنجه و مرگ ژینا (مهسا) امینی به دست «پلیس امنیت اخلاقی» و صحنه‌های شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها با زنان و دختران از سوی نیروی پلیس و نیروهای امنیتی در خیابان‌ها، مقامات جمهوری اسلامی ظاهراً به شیوه‌های «کمتر مشهود»، یا آن‌گونه که خود به آن اشاره می‌کنند، «غیرمستقیم» و «**هوشمند**» در اجرای قانون تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز **حجاب اجباری** رو آورده‌اند.

به عنوان نمونه، در ۱۴ دی ۱۴۰۱، یکی از مسئولان ستاد عفاف و حجاب در استان خراسان جنوبی **گفت** که هیچ دستگاه، نهاد، موسسه، بانک، یا شرکتی در این استان حق ارائه خدمات به افراد بی‌حجاب را ندارد. او همچنین اضافه کرد افراد مسئول، از جمله مدیران این نهادها پاسخگو خواهند بود، در صورتی که مشخص شود سازمان تحت نظارت آنها به زنان بی‌حجاب خدمات ارائه می‌کنند. پیش از آن در همان ماه، یعنی در ۵ آذر، حسین جلالی، یکی از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس نیز به سیاستی در اجرای حجاب اجباری **اشاره کرد** که در آن از طریق پیامک به زنان هشدار داده می‌شود و پس از دریافت سه هشدار، حساب بانکی زنان به اصطلاح «مرتکب جرم» مسدود خواهد شد.

افزون بر این، مقامات دادستانی و قضایی استان‌های مختلف تهدید کرده‌اند که کسب‌وکارهایی که در آن قوانین حجاب اجباری رعایت نمی‌شود با عواقب آن روبرو خواهند شد و این که علیه مدیران و سایر کسانی که موسسات آن‌ها قوانین حجاب اجباری را رعایت نکنند پرونده کیفری تشکیل خواهد شد. به عنوان نمونه، در ۱۴ اسفند ۱۴۰۱، سید جواد ایلائی، دادستان بجنورد در استان خراسان شمالی، به صاحبان کسب‌وکارها **هشدار داد** که در صورتی که قوانین حجاب اجباری را زیر پا بگذارند، محل کسب‌وکار آن‌ها پلمب و پروانه کسب آن‌ها لغو خواهد شد.

طی سه ماه گذشته، مقامات ایران کسب‌وکارهایی-- از جمله **هتل‌ها، محل‌های تفریحی، داروخانه‌ها^۱ و مغازه‌ها**-- را به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری به زور تعطیل کرده‌اند.

اقدامات قانونی جدید برای اجرای حجاب اجباری تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز

مقامات جمهوری اسلامی چندین ابتکار قانونی را برای حفظ و اجرای قانون حجاب اجباری تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز در دست بررسی دارند.

پیشنویس لایحه مجازات‌های تعزیری

^۱ - داروخانه‌ای در تهران بخاطر «حجاب» پلمب شد | پایگاه خبری-تحلیلی انصاف‌نیوز

از همه برجسته‌تر، پیشنویس لایحه مجازات‌های تعزیری است (که در صورت تصویب، جایگزین کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی خواهد شد) که گفته می‌شود در آبان ۱۴۰۱ از سوی معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه تهیه و برای انجام فرایند قانونی به دولت فرستاده شده است. این لایحه نه تنها همچنان حجاب اجباری تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز را بر زنان و دختران تحمیل می‌کند بلکه می‌کوشد تا با گسترش دامنه «جرائم» مرتبط با حجاب اجباری، مجازات‌های مقرر برای چنین «جرایمی» را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد.

همانگونه که جزییات آن در پایین ذکر شده است، این پیشنویس لایحه عملاً زنانی را که با اعمال حقوق بشر خود، از رعایت حجاب اجباری خودداری می‌کنند، تحت یک محاصره اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار می‌دهد و آن‌ها را از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود محروم می‌کند. پیشنویس لایحه همچنین امکان اجرای مجازات‌هایی مانند حبس، شلاق و غیره را علیه زنان، مدافعان حقوق بشر و سایر کسانی فراهم می‌آورد که به هر شکلی علیه حجاب اجباری اعتراض می‌کنند-- از جمله از طریق ظاهر شدن بدون حجاب در انظار عمومی، شرکت در مجامع و انتشار مطالب در فضای مجازی. سرانجام اینکه پیشنویس لایحه تعزیرات عملاً می‌کوشد فعالان افراد غیرحکومتی از جمله مدیران و صاحبان مشاغل را به ماموران اجرای حجاب اجباری تبدیل کند.

ماده ۱۷۸ پیشنویس لایحه این اختیار را به مراجع قضایی می‌دهد که زنان و دخترانی را که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند بازداشت نموده و آنان را مجبور به دادن التزام مبنی بر عدم تکرار «جرم» کنند (در مواردی که زنان و دختران سابقه زیرپا گذاشتن قانون حجاب اجباری را ندارند و از سوی مسئولان «مجرمان مرتبه اول» شناخته شوند). زنانی که از دادن التزام خودداری کنند یا کسانی که پس از دادن آن، از رعایت حجاب اجباری امتناع کنند، از سوی مسئولان «مجرم مکرر» شناخته شده و به «مجازات‌های اجتماعی» محکوم می‌شوند که شامل (اما نه محدود به) موارد زیر می‌شود: مجازات نقدی، انجام خدمات عمومی اجباری رایگان تا ۲۷۰ ساعت، و محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های زیر برای تا حداکثر یک سال: اقامت اجباری در یک محل یا محل‌های معین؛ محرومیت از داشتن دسته چک؛ انفصال از مناصب دولتی یا عمومی؛ ممنوعیت از خروج از کشور؛ آموزش اجباری در یک کار، شغل یا حرفه؛ ممنوعیت شرکت در جشنواره‌های هنری؛ ممنوعیت داشتن گواهینامه رانندگی؛ و ممنوعیت تصدی برخی از مناصب یا مشاغل. (برای جزییات کامل «مجازات‌های اجتماعی» تحت این پیشنویس لایحه، قسمت پایین را ببینید.)

علاوه بر این، تحت ماده ۱۷۸، به مقامات جمهوری اسلامی این اختیار داده می‌شود تا زنان و دختران را به گذراندن دوره‌های الزامی «آموزشی، دینی و اخلاقی» بین یک تا دو هفته محکوم کنند.

در حالیکه در نگاه نخست ممکن است چنین به نظر رسد که مقامات در حال رفع مجازات حبس و شلاق برای زنان و دخترانی هستند که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند (که در حال حاضر تحت ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی تعیین شده است)^۲، مطالعه دقیق‌تر سایر مفاد پیشنویس لایحه نشان می‌دهد که در واقع این اختیار برای مقامات فراهم شده است تا مجازات‌های سنگین‌تر حبس و حتی حکم شلاق برای «جرایم» مرتبط با حجاب اعمال کنند. ماده ۱۷۹ پیشنویس لایحه، اعمال مجازات‌هایی از قبیل احکام حبس بین ۹۰ روز تا ۵ سال، ۱۱ تا ۳۰ ضربه شلاق، جریمه نقدی، یا «مجازات‌های اجتماعی» برای «هر شخصی که در فضای واقعی یا مجازی به هر طریقی مبادرت به تبلیغ بی‌حجابی کند» را در نظر

^۲- در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

در تبصره این ماده نیز ذکر شده است: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

می‌گیرد و در مواردی که تشخیص داده شود ارتکاب «جرم» به شیوه‌ای سازمان‌یافته یا گسترده صورت گرفته است، مجازات یک درجه تشدید می‌شود.³

این ماده به مقامات جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد که افراد را خودسرانه بازداشت و به مجازات‌های شدید محکوم کنند؛ از جمله شلاق زدن-- که تحت قوانین بین‌المللی مصداق جرم شکنجه است-- صرفاً به دلیل استفاده از حقوق بشری خود که شامل حق اعتراض علیه قوانین تبعیض‌آمیز و توهین‌آمیز حجاب اجباری می‌باشد. تحت این ماده، زنانی که در انتظار عمومی - مجازی یا حقیقی - بدون حجاب اجباری ظاهر می‌شوند، ممکن است تحریک‌کننده یا مشوق دیگران به برداشتن حجاب در نظر گرفته شوند که در این صورت، مجازات‌های سختی را به دنبال خواهد داشت.

پیشنویس لایحه نه تنها همچنان حجاب اجباری تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز را علیه زنان و دختران اعمال کرده و مجموعه‌ای از حقوق بشری آنان را نقض نموده و کسانی را که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند به مجموعه‌ای از مجازات‌ها محکوم می‌کند؛ بلکه عملاً افراد غیرحکومتی از جمله مدیران و صاحبان کسب‌وکارها را به ابزار اجرای حجاب اجباری تبدیل می‌کند. تحت ماده ۱۸۰ پیشنهادی لایحه:

عدم رعایت موازین عفاف و حجاب توسط صاحبان حرف، صنوف و متصدیان اماکن عمومی از قبیل فروشگاه‌ها، رستوران‌ها، سینماها و ورزشگاه‌ها و کارکنان آنان موجب محکومیت به یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه هفت است.⁴ عدم نظارت مدیران حرف، صنوف و اماکن مذکور نسبت به رعایت عفاف و حجاب توسط کارکنان خود تخلف محسوب و موجب صدور قبض جرمیه توسط اداره نظارت بر اماکن مرجع انتظامی برای مرتبه اول به مبلغ بیست میلیون ریال و برای مرتبه دوم به مبلغ پنجاه میلیون ریال می‌شود.

افزون بر این، در ماده ۱۸۰، زنانی که در برخی از اماکن از قبیل بخش خدماتی کار می‌کنند، در صورت عدم رعایت حجاب اجباری، در معرض مجازات‌های سنگین‌تری قرار می‌گیرند و مجازات اجتماعی درجه هفت (برای جزییات «مجازات‌های اجتماعی»، قسمت پایین را ببینید) به جای مجازات درجه هشت در مورد آن‌ها اجرا می‌شود.

سایر اقدامات قانونی در خصوص حجاب اجباری تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز

علاوه بر پیشنهادی لایحه مجازات‌های تعزیری که همچنان در مجلس است، تعدادی از ابتکارات قانونی دیگر نیز از سوی مقامات جمهوری اسلامی اعلام شده است. در ۱۴ بهمن ۱۴۰۱، موسی غضنفرآبادی، رییس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، عنوان کرد که کمیسیون مجلس در حال بررسی پیشنهادی یک طرح است که تحت آن، کارت ملی زنانی که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند تعلیق خواهد شد و تا زمانی که آن‌ها جریمه نقدی خود را پرداخت نکنند، از دسترسی به برخی از خدمات مانند خدمات بانکی محروم خواهند شد. در ۷ اسفند ۱۴۰۱، مهدی احمدی، رییس ستاد امر به معروف و نهی از

^{۲-} بر اساس ماده ۱۷۹ پیشنهادی لایحه: «هر شخصی در فضای واقعی یا مجازی به هر طریقی مبادرت به تبلیغ بی‌حجابی کند به یکی از مجازات‌های درجه هفت محکوم می‌شود و چنانچه ارتکاب جرائم مذکور به شکل سازمان‌یافته یا گسترده باشد مرتکبان به یکی از مجازات‌های درجه شش محکوم می‌شوند و در صورت تکرار حسب مورد، مجازات مرتکب یک درجه تشدید می‌گردد.» اگر ارتکاب «جرم» به‌طور سازمان‌یافته یا گسترده تشخیص داده شود، مقامات می‌توانند افراد را به مجازاتی که ممکن است شامل حبس بین شش ماه تا دو سال، جزای نقدی، شلاق بین ۳۱ تا ۷۴ ضربه و «مجازات اجتماعی» (برای دوره‌های زمانی معین) باشد محکوم کنند. در مواردی که «جرم» تکرار می‌شود، مجازات‌ها یک درجه افزایش می‌یابد، یعنی در دسته اول (در صورتی که رفتار سازمان‌یافته یا گسترده تلقی نشود) مجازات ممکن است یکی از موارد زیر باشد: حبس از شش ماه تا ۲ سال؛ جریمه نقدی؛ شلاق بین ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق و «مجازات اجتماعی» (برای مدت معین). در مواردی که رفتار سازماندهی شده یا گسترده تلقی شود، مجازات ممکن است یکی از موارد زیر باشد: حبس بین دو تا پنج سال، جریمه نقدی، یا «مجازات اجتماعی» (برای مدت معین).

^{۴-} برای جزییات بیشتر به قسمت «مجازات‌های اجتماعی» در پایان همین بیانیه مراجعه کنید.

منکر در استان قزوین، **گفت** که پیشنهادی طرحی در خصوص حجاب و عفاف در این ستاد تهیه شده است و برای بررسی به مجلس ارائه خواهد شد. او همچنین افزود که هدف این طرح «افزایش تاثیر [اجرای قانون حجاب] و در عین حال کاهش هزینه‌های اجتماعی» است.

در یک بیانیه نگران‌کننده دیگر در ۲۴ اسفند، بیژن نوباوه، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، **اعلام** کرد که طرحی در خصوص حجاب و عفاف از سوی این کمیسیون تهیه شده است که شامل «۷ ماده پیشنهادی در خصوص برخورد غیرمستقیم و هوشمند [با عدم رعایت حجاب اجباری] می‌باشد تا به این ترتیب هیچگونه برخورد فیزیکی در اعمال قانون صورت نگیرد و در عین حال حجاب ملت حفظ شود و قانون‌گريزان نیز متنبه شوند.» او همچنین **اظهار** داشت که تحت طرح پیشنهادی جدید، سیم کارت‌های زنانی که پس از دریافت چند هشدار در خصوص حجاب همچنان از این قانون پیروی نمی‌کنند، مسدود خواهد شد و دسترسی آنها به اینترنت قطع خواهد گشت.

استفاده از فناوری در جهت اجرای حجاب اجباری تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز

چندین تن از مسئولان جمهوری اسلامی در خصوص استفاده از فناوری جهت شناسایی زنان و دخترانی که قوانین حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند بیاناتی اظهار داشته‌اند. این اظهارات به نگرانی‌های جدی در خصوص استفاده از فناوری‌های تشخیص چهره به عنوان بخشی از سرکوب حکومتی علیه حقوق بشر و آزادی‌ها دامن زده است.

به عنوان نمونه، در آذر ۱۴۰۱، علی خان محمدی، سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر، **اظهار** داشت که «راه‌های جدیدتر، به‌روزتر و دقیق‌تر» و همچنین «فناوری‌های موجود» بایستی برای اجرای حجاب اجباری مورد استفاده قرار بگیرد. این اظهارات پس از بیاناتی که پیشتر در خصوص همین موضوع عنوان شده بود مطرح شد. در شهریور ۱۴۰۱، هاشمی گلپایگانی، معاون ستاد امر به معروف و نهی از منکر، طرح‌هایی را برای تصویب لایحه عفاف و حجاب **اعلام** کرده بود که به گفته وی امکان استفاده از فناوری تشخیص چهره را در ساختمان‌های دولتی، خودروها و وسایل نقلیه عمومی و مکان‌های عمومی فراهم می‌آورد:

در ادارات دولتی بایستی چندبار به فرد بدحجاب تذکر داده شود و در صورت عدم رعایت، مدیر آن جریمه و از حقوق او کم خواهد شد. طبق این طرح در معابر عمومی مثل مترو که یک مدیر نمی‌تواند اعمال نفوذ کند، اگر فردی حرکات نامتعارف و ناموزون انجام داد، به جای دستگیری، دوربین از او عکس می‌گیرد و یک مبلغ اثرگذار جریمه خواهد شد. این عکس با کارت ملی او تطبیق داده شده و برگه جریمه به منزل وی ارسال خواهد شد.

سازمان آرتیکل ۱۹ تا کنون مواردی را مستند کرده است که طی آن به زنان اطلاع داده شده است «تخلفات» آن‌ها در خودرو توسط دوربین نظارت بر ترافیک ثبت شده است.

«مجازات‌های اجتماعی»

تحت ماده ۹ پیشنهادی لایحه مجازات‌های تعزیری، موارد زیر را می‌توان تحت عنوان «مجازات‌های اجتماعی» برای مدت متفاوت – بسته به درجات مجازات – اعمال کرد. درجه یک سنگین‌ترین و درجه هشت سبک‌ترین تلقی می‌شود:

- تحت «مراقبت» بودن بین شش ماه تا پنج سال؛
- انجام خدمات عمومی رایگان بین ۲۷۰ تا ۲۱۶۰ ساعت؛
- جریمه نقدی؛
- اقامت اجباری در محل یا محل‌های معین برای یک دوره یک تا شش ساله؛
- بین یک تا شش سال ممنوعیت از:
- رانندگی؛
- داشتن دسته چک؛
- حمل سلاح؛
- داشتن برخی از مناصب خاص در نهادهای رسانه‌ای از قبیل مدیر مسئول یا سردبیری؛

- خروج از کشور؛
- تاسیس، اداره یا عضویت در هیات مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی؛
- عضویت در هیات‌های منصفه، امنای شورای حل اختلافات؛
- شغل وکالت؛
- استخدام یا کار کردن برای نهادهای گوناگون؛
- فعالیت در رسانه ملی و جشنواره‌های هنری و نمایشی؛
- انفصال از مناصب دولتی یا عمومی بین یک تا شش سال؛
- آموزش اجباری در یک کار، شغل یا حرفه معین بین یک تا شش سال.